

بررسی سبکی کتاب معایب الرجال بی بی خانم استرآبادی

مجیب الرحمن دهانی^۱، منصور نیک پناه^{۲*}

۱- دانش آموخته زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

۲- گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه سراوان، سراوان، ایران.

سال هجدهم، شماره یکم، فروردین ۱۴۰۴، شماره پی در پی ۱۰۷، صص ۱۸-۱

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2025.18.7746>

نشریه علمی سبک شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: در دوره قاجار به دلیل تحولاتی که در زمینه‌های سیاسی و اجتماعی ایجاد شد، دگرگونی‌های فکری و فرهنگی زنان نیز آغاز گردید. در این دوره زنان در مکتبخانه‌ها و یا در منازل به صورت خصوصی تحصیل میکردند و تا حدودی توانستند از حقوق خود مطلع شوند. معایب الرجال، نخستین دفاعیه مکتوب از زنان ایرانی است. تألیف کتاب در زمانی روی داده که جامعه در کشاکش سنت و مدرنیته بود و بی بی خانم استرآبادی در این کتاب میکوشد با استدلال بر اساس مبانی اسلامی ادب فارسی و با اشاره به مزایای فرهنگ غرب، از زنان و حقوقشان دفاع کند. کتاب درسه بخش، به انضمام یک خود زندگینامه در پایان نگاشته شده است.

روش مطالعه: مقاله حاضر، مطالعه و پژوهشی است نظری که به شیوه مطالعه منابع موجود در کتابخانه‌ها به روش توصیفی-تحلیلی بر پایه منابع مکتوب انجام شده و جامعه آماری آن کتاب معایب الرجال بی بی خانم استرآبادی است.

یافته‌ها: معایب الرجال نگاهی انتقادی به ساختار تحمیلی جامعه دارد و به مسائلی از قبیل تعدد زوجات، حق یکسویه طلاق از طرف مردان و عدم آموزش به زنان اعتراض میکند. بی بی خانم در رساله‌اش خواستار ایجاد مناسبات جنسیتی متفاوتی در جامعه ایرانی شد که در آن دوره، میان سنت و مدرنیته قرار گرفته بود، شالوده تفکری نو را پی ریزی کرد. متن معایب الرجال به صورت ثابتی زن محور است و گرچه نویسنده از آثار ادبی و مذهبی در آن بهره میبرد، ولی اگر آنها را زن ستیز بداند، آشکارا علیه آنها جدل میکند.

نتیجه‌گیری: نثر کتاب معایب الرجال پر از کلمات و عبارات عربی است و نویسنده برای روشن کردن منظور خود از شعر، آیات قرآن و احادیث بهره برده است. زبان آن تند و بی پروا و به دور از عفت کلام و محافظه‌کاری است. نتایج حاصل از این پژوهش بیانگر کاربرد جملات کوتاه و پی در پی، حذف فعل بدون قرینه، لحن عامیانه، لحن اعتراضی و لحن گفتاری است. از نظر ادبی آرایه‌های لفظی از جمله سجع و موازنه را بسیار به کار برده و از نظر فکری نیز علاوه بر دفاعیات وی از حقوق زنان و بیان عیوب مردان به مباحث مذهبی، مرد سالاری و سنتهای جامعه زمان خود نیز اشاره دارد.

تاریخ دریافت: ۲۷ مرداد ۱۴۰۳
تاریخ داوری: ۲۸ شهریور ۱۴۰۳
تاریخ اصلاح: ۱۲ مهر ۱۴۰۳
تاریخ پذیرش: ۲۹ آبان ۱۴۰۳

کلمات کلیدی:

معایب الرجال، نثر قاجار، سبک فکری، سبک زبانی، سبک ادبی.

* نویسنده مسئول:

m.nikpanah@saravan.ac.ir

☎ ۳۱۳۲۰۰۰ (۵۴ ۹۸+)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

A stylistic review of the book Ma'yeb-alrejal Bibi Khanum Astarabadi

M. Dahani¹, M. Nikpanah^{*2}

1- Graduate of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran.

2- Department of Persian Language and Literature, University of Saravan, Saravan, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 17 August 2024

Reviewed: 18 September 2024

Revised: 03 October 2024

Accepted: 19 November 2024

KEYWORDS

disadvantages of men, Qajar prose, intellectual style, linguistic style, literary style

*Corresponding Author

✉ m.nikpanah@saravan.ac.ir

☎ (+98 54) 31132000

ABSTRACT




BACKGROUND AND OBJECTIVES: In the Qajar period, due to the political and social developments, women's intellectual and cultural transformations also began. In this period, women studied privately in schools or at home and were able to know their rights. The disadvantages of men is the first written defense of Iranian women. The book was written at a time when the society was in a struggle between tradition and modernity, and in this book, Bibi Khanum Estrabadi tries to defend women and their rights by arguing based on the Islamic foundations of Persian literature and pointing to the advantages of Western culture. , along with an autobiography is written at the end.

METHODOLOGY: The present article is a study and a research of an opinion that was conducted in the way of studying the resources available in the libraries in a descriptive-analytical method based on written sources, and its statistical population is the book Maaib Al-Rajal by Bibi Khanum Estrabadi.

FINDINGS: Male Disadvantages takes a critical look at the society's imposed structure and objects to issues such as polygamy, the unilateral right of divorce on the part of men, and the lack of education for women. In her treatise, Bibi Khanum called for the creation of different gender relations in Iranian society, which was placed between tradition and modernity in that period, and laid the foundation for a new way of thinking. The text of "The Disadvantages of Men" is consistently focused on women, and although the author uses literary and religious works in it, if he considers them to be anti-feminist, he openly argues against them.

CONCLUSION: The prose of the book Ma'aib al-Rajal is full of Arabic words and expressions, and the author has used poetry, Quranic verses and hadiths to clarify his meaning. Its language is sharp and careless and far from modesty and conservatism. The results of this research show the use of short and consecutive sentences, the omission of verbs without a counterpart, folk tone, protest tone and speaking tone. From a literary point of view, he used a lot of verbal arrays such as saja' and mowazaneh, and from an intellectual point of view, in addition to his defense of women's rights and the expression of men's faults, he also refers to religious issues, patriarchy, and the traditions of his time's society.

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2025.18.7746>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 24	 0	 0

مقدمه

زنان در تاریخ ایران کمتر در صحنه ادبیات حاضر بوده‌اند؛ اما هر گاه اثری آفریده‌اند با آثار مهم ادبی قابل مقایسه است بنا به اینکه به دلیل حاکمیت فضای مرد سالاری در ایران تنها زنانی توانسته‌اند رشد کنند که اعتماد به نفس بالایی داشته و دانش خود را ارتقا داده‌اند. در دوره قاجار زمینه‌هایی برای رشد بیشتر زنان فراهم شده و دختران در خانواده‌هایی که نسبت به سایرین وضعیت اجتماعی بهتری داشتند، آزادی عمل پیدا کردند و کم‌کم به حقوق خود واقف شدند؛ اما زنانی که در گذشته دست به قلم شده یا به سرایش شعر پرداخته‌اند، ندای اعتراضی به نقض حقوق زنان بلند نکردند و به مباحث تعلیمی و عرفانی پرداختند. این فضا در دوره قاجار به دلیل آشنایی با دنیای غرب ایجاد شد و تحولات فراوانی را ایجاد کرد. در این دوره زنان موقعیت تازه‌ای یافتند و وضعیت آنان در جامعه مرد سالار بهبود پیدا کرد و زمزمه‌هایی در مورد حقوق زنان مطرح میشد (اتحادیه؛ ۱۳۸۸: ۸۲). تعلیم و تربیت زنان در دوره قاجار عمومی و فراگیر نبود ولی در همان مکتبخانه‌ها با تعلیمات خصوصی در منازل زنان بزرگی در زمینه‌های گوناگون پرورش یافتند (توانا، ۱۳۸۰: ۱۷۵). مری شیل همسر سفیر انگلستان که در اوایل دوره شاهی ناصرالدین شاه به ایران آمده در خاطرات خود از زنان باسواد در قشر مرفه و زندهای ایل و خانواده سلطنتی یاد میکند که مکاتبات خود را شخصا انجام میدهند (شیل، ۱۳۶۸: ۲۵۷).

بیان مسأله

کتاب معایب الرجال که به قلم بی بی خانم استرآبادی به نگارش درآمده اولین دفاعیه زنان در برابر عقاید مردسالاری است. این کتاب در پاسخ به نوشته‌های کتاب تأدیبالنسون نوشته شده که نویسنده آن مشخص نیست. مطالب کتاب معایب الرجال نشان دهنده سواد ادبی نویسنده است؛ در حالی که این در این دوران هنوز مدرسه‌ای وجود ندارد و دختران و مکتبخانه‌ها خواندن و نوشتن می‌آموزند. از این رو به نظر می‌آید زنان و دخترانی که بیش از دیگران سواد دارند اهل مطالعه بوده و خود خواندن و نوشتن را ادامه داده و به سطح بالایی از معرفت رسیده‌اند و از آنجا که در آن زمان کتابهای معروفی همچون گلستان و دیوان حافظ و برخی داستانهای عامیانه معروف در خانه‌ها وجود داشت مطالعه این نوع کتابها که جنبه ادبی نیز دارد به ارتقای سطح سواد آنها کمک میکرد. کتاب معایب الرجال دارای ویژگیهای سبکی جالبی است که متأثر از نثر دوره قاجار است و از جنبه‌های مختلف قابل بررسی است از این رو در این مقاله به بررسی جنبه‌های زبانی، ادبی و فکری این کتاب پرداخته میشود. اکنون مسأله تحقیق این است که ویژگیهای سبکی کتاب معایب الرجال چیست و با سبک عصر نویسنده چه تناسبی دارد؟

یشینه پژوهش

در مورد این کتاب تنها یک مقاله نوشته شده است. بهفر (۱۳۷۷) در مقاله «معایب الرجال، نخستین رساله در دفاع از زنان» ضمن معرفی کتاب تأدیبالنسون و معایب الرجال مطالبی از هر دو کتاب بیان نموده است. در این مقاله آمده است که کتاب تأدیبالنسون ده فصل بوده که هر فصل به موضوعی اختصاص دارد و بی بی خانم نیز در هر فصل از کتاب خود یکی از این موضوعات را پاسخ گفته، علاوه بر آن چهار مجلس نیز برای بیان معایب مردان افزوده است.

روش تحقیق

این تحقیق به روش توصیفی - تحلیلی بر اساس نظریات سبک شناسی انجام شده است. اساس پژوهش اثر بی بی

خانم استرآبادی است و عین حال به آثار دست اول سبک‌شناسان استناد جسته در نهایت اثر مذکور را با دیدگاه صاحب نظران محک زدیم.

مبانی نظری

سبک‌شناسی

هر گوینده‌ای برای رساندن مفهوم مورد نظر خود، شیوه‌ای خاص دارد که این شیوه با چند عامل در ارتباط است. زمان، مکان، گویش، شغل، ارتباطات اجتماعی و دانشهای فردی میتواند شیوه بیان را تغییر دهد. این شیوه در اصطلاح ادبی سبک است.

ادبای قرن اخیر سبک را مجازاً به معنی «طرز خاصی از نظم و نثر» به کار برده‌اند و تقریباً آنرا در برابر (style) اروپاییان نهاده‌اند. (style) در زبانهای اروپایی از لغت «ستیلوس» یونانی مأخوذ است. (stylus) در یونانی قدیم به آلتی فلزین یا چوبین یا عاج اطلاق میشده که بوسیله آن در زمانهای قدیم، حروف و کلمات را بر روی الواح مومی نقش میکردند ولی در لاتین متأخر معنی آن گسترش یافت و از آن هنگام تا چندی پیش به معنی ویژگی خاص یک نوشته است از نظر خوبی و بدی آن. به همین دلیل به تعبیراتی مانند سبک خوب یا بد و سبک عالی یا نازل زیاد بر میخوریم. (بهار، ۱۳۷۰: مقدمه)

شمیسا در کتاب «کلیات سبک‌شناسی» نگاه گوینده به جهان را در پیدایش سبک دخیل میدانند. از نظر وی سبک حاصل نگاه خاص هنرمند به جهان درون و بیرون است (شمیسا، ۱۳۸۴: ۱۵۳).

سبک دوره قاجار

نثر دوره قاجار، در اغلب موارد نثری فاخر سرشار از سجع و موازنه، تضمین اشعار و عبارات عربی است که نمونه‌های آن را میتوان در منشآت قائم مقام مشاهده نمود: «دیشب که به خانه آمدم خانه را صحن گلزار و کلبه را طبله عطار دیدم» (فراهانی، بی تا: ۲۶) در اغلب صفحات همین کتاب اشعار بسیاری تضمین شده است. همچنین کاربرد عبارات عربی (ر.ک: ۳۲، ۳۳، ۳۹، ۴۱ و...) در مواردی هم نویسندگانی که سواد چندانی نداشته اقدام به نگارش خاطرات یا سفرنامه کرده‌اند که با نثری عامیانه و گاه طنز آمیز همراه است. کتاب سفرنامه حج منصور که از رجال دوره قاجار است از نوشته‌های او برمیآید که سواد چندانی ندارد. او برخی کلمات را به درستی به کار نبرده و نثر وی چندان فاخر نیست ولی در مواردی آرایه‌های ادبی را به کار برده یا جملاتی ادبی نوشته است: «چون شب بر سر دست آمد منصور لب از گفتار فرو بست.» (تبریزی، ۱۳۸۸: ۳۹) «تا آفتاب عالمتاب از مشرق سر برآورده سر از بستر بی‌خوابی برداشتیم» (همان: ۹۵) همچنین میتوان به برخی جملات از سفرنامه علویه خانم کرمانی اشاره نمود که در آن سجع به کار رفته است: «امروز که شنبه بیست و سوم است با چشم گریان و دل بریان از کربلا بیرون آمدیم روانه کاظمین (ع) شدیم» (کرمانی، ۱۳۸۶: ۹۳) به این ترتیب میبینیم که نوشته‌های این دوره یکدست نبوده و هر کسی در جایگاه او به میزان سواد که دارد اقدام به نوشتن نموده است از این تنوع سبک بیشتر از دوره‌های پیش است.

تنوع سبکهای ادبی در دوره قاجار نسبت به دوره‌های قبل نمود بیشتری دارد گر چه نسبت به دوره پهلوی اندک است. در این دوره همان تنوعی که در رویکرد به موضوعات مختلف نوشتاری وجود دارد در سبکهای فردی نویسندگان نیز دیده میشود. (شیری، ۱۴۰۰: ۱۲۴) تفاوت نثر این دوره با دوره‌های قبل نوشته‌هایی است که

دارای قوالب غیر رسمی است و نیازی به تحصیلات فراتر از سواد معمولی ندارد و جاه طلبی حرفه‌ای در آن نیست و در نتیجه بعنوان سرگرمیهایی زنان شناخته میشود (گرین، ۱۳۸۳: ۳۴۴).

یکی از خصوصیات ادبیات نیمه دوم قاجار، شوریدن بر تنگناها و محدودیتهای و روی آوردن به تنوع طلبی در تمام عرصه‌هاست. این حرکت ریشه در این واقعیت دارد که از یک سو شاعران و نویسندگان از اقشار مختلف جامعه هستند و خاستگاه آنها از شاه و شاهزاده تا پایین‌ترین گروه است. این تنوع طیف گسترده‌ای از خواسته‌ها و علایق و زبان و بیان را به دایره فکر و فرهنگ وارد میکند که در هیچ دوره‌ای نمونه آن را نمیتوان مشاهده کرد. در زبان نثر این دوره گونه‌های مختلف گفتاری، گویشی، لهجه‌ای، عامیانه، لاتنی، مذهبی، تصنیفی، فرنگی مآب، عربی مآب، مسجع، متکلف، منشیانه وجود دارد. (شیری، ۱۴۰۰: ۱۲۴) نمونه‌ای از نثر این دوره را در کتاب سفرنامه علویه خانم کرمانی میتوان دید که علاوه بر لحن عامیانه مایه‌هایی از طنز نیز در آن دیده میشود که نشانی از ساده نویسی این دوره است: «مشرف شدیم در حرم، طواف کردیم. سعی صفا و مروه را کردیم. باز مشرف شده، حج نسا را به جا آورده، آمدیم منزل، افتادم. با حالت خراب و ضعف قلب. عصری باز سوار شده رفتیم در منی. بنده که از ضعف نمیفهمم کجا میروم چه میکنم» (کرمانی، ۱۳۸۶: ۶۹)

رساله معایب الرجال

معایب الرجال کتاب یا رساله‌ای است که در سال ۱۳۱۲ قمری توسط بی بی خانم استرآبادی در دوران ناصرالدین شاه قاجار نوشته شده است. بی بی خانم این رساله را در پاسخ به کتاب زن ستیرانه تأدیب النسوان نوشت که پیشتر به قلم شخصی ناشناس منتشر شده بود. معایب الرجال، نخستین دفاعیه مکتوب از زنان ایرانی است. تألیف کتاب در زمانه‌ای روی داد که جامعه در کشاکش سنت و مدرنیته بود و بی بی خانم در این کتاب میکوشد با استدلال بر اساس مبانی اسلامی، ادب فارسی و با اشاره به مزایای فرهنگ غرب، از زنان و حقوقشان دفاع کند. کتاب در سه بخش، به انضمام یک خود زندگینامه در پایان نگاشته شده است. متن پر از آیات، احادیث، حکایت، ضرب المثل و شعر است و در بسیاری از جاها لحن طنز به خود میگیرد. در حالی که چند جلد از نسخه‌های خطی این کتاب در دسترس بوده‌اند، این کتاب به مدت صد سال چاپ و انتشار نیافت، تا این که در سال ۱۳۷۱ خورشیدی به کوشش افسانه نجم آبادی و حسن جوادی، در دو ویرایش و چاپ جداگانه، منتشر شد. (بهر، ۱۳۷۷: ۵۲)

دلیل نگارش این کتاب پاسخگویی به مؤلف کتاب تأدیب النسوان است که در این دوره معروف شده بود این کتاب توسط یکی از شاهزادگان قاجاری که بطور ناشناس نوشته شده و البته کراچی در تحقیق خود نویسنده کتاب را «خانلر میرزا احتشام الدوله» دانسته است (کراچی، ۱۳۹۰: ۲۰۶). در ده فصل با این عناوین تنظیم شده بود: سلوک زن، حفظ زبان، گله گذاری، قهر کردن، طرز راه رفتن، آداب غذا خوردن، پاکیزه نگه داشتن بدن و استعمال بعضی عطریات، طرز لباس پوشیدن، آداب خوابیدن، آداب صبح برخاستن از خواب.

رساله معایب الرجال با مقدمه‌ای شامل زندگینامه بی بی خانم آغاز میشود که زمینه اجتماعی و آموزشی این رساله را فراهم میکند. سپس شعرهایی در مدح ناصرالدین شاه و ولیعهدش، مظفرالدین شاه، می‌آورد و با مدح وزیر اعظم این بخش را به پایان میرساند. متن اصلی رساله شامل دو بخش است: بخش نخست پاسخی زیرکانه، صریح و خشمگین به تأدیب النسوان است و در بخش دوم خطاب به زنان نصایح و هشدارهایی درباره روابط زنان و مردان و به خصوص روابط زناشویی بیان میشود، و بی بی خانم اولین فردی بود که موفق به نوشتن کتابی در حمایت از نوگرایی زنان ایرانی شد و یکی از نخستین بیانیه‌های فمینیستی در ایران را ثبت کرد. معایب الرجال یکی از منابع

مهم و اساسی برای درک فضای فرهنگی زنان در دوران پیش از مشروطه است. بی بی خانم در این کتاب مسائلی همچون اعتراض به تعدد زوجات و حق یکسویه مردان برای طلاق و تأکید بر آموزش زنان را مطرح کرده است. او نگاهی انتقادی به ساختار تحمیلی جامعه خود دارد و اساس نقد را بر تغییر رابطه زن و مرد یا ضعیفه بودن زن میگذارد و برخی از خواسته‌های پنهان مانده زنان را با جدیت و شجاعت مطالبه میکند. مؤلف کتاب «تقریباً در تمام ده فصل بطور مستقیم بدن زن و کنشگری او را نشانه میگیرد تا او را با تن خود بیگانه و ساختارهای کلان مردسالارانه را دوباره مستقر سازد» (قاضی مرادی، ۱۳۹۷: ۵۱).

بررسی سبک کتاب

با توجه به همه جانبه بودن این کتاب و تعلق آن به سبک دوره قاجار، و اهمیت محتوای کتاب که به نوعی انتقادی و احقاق حق زنان است سبک این کتاب از نظر زبانی، ادبی و فکری بررسی میشود.

سبک زبانی

جمله‌های کوتاه پی در پی

از ویژگیهای زبانی این کتاب آوردن جملات کوتاه است که باهم مرتبط هستند از اینرو کلام شتاب زیادی دارد: «بنشسته‌ها برخاستند، برخاسته‌ها برای جنگ آراسته، کار به چوب و چماق از مجلس و اطاق به حیاط و باغ کشید. دستها به قبضه قمه فرو رود و قداره‌ها کشیده شود... یکی قی کنان دمر افتاده یکی ناله کنان یکور افتاده» (استرآبادی، ۱۳۷۱: ۷۰).

اصطلاحات جدید

در دوره قاجار اصطلاحات تازه‌ای وارد زبان شد که پیش از آن وجود نداشت. کلماتی مانند قانون و تمدن و دولت که محصول آشنایی با قوانین کشورهای دیگر است یا در اثر ترجمه آثار غربی و نشر در روزنامه به زبان مردم راه یافته است:

«این از روی قانون تمدن و حکمت و برهان به تجربه رسیده و امری صحیح است؛ زیرا که پادشاه قلب عالم و قبله بنی آدم است مربی دور و مرسوم هرطور. پس رعایا ناگزیر از تمکین دولت میباشند و گرنه از هم میپاشند قانون تمدن گسسته و شیشه زندگی شکسته. هیچکس دارای چیزی نشود» (همان: ۸۷)

کلمه تحصیل و مباشر نیز از این نوع است که همراه با کلمات قدیمی رایج در این دوره به کار میرود: «زنی که در خانه نشسته و در به روی خود بسته، ممنوع از تمام مراودات و تحصیل محسنات و ادب و تربیت و معاشر و مباشر ناقصات و ناقصان...» (همان: ۵۷)

کاربرد اصطلاحات رایج دوره قاجار

در این دوره پیش از انقلاب مشروطه در نامه نگاریها و نوشته‌های زنان کلماتی مانند: کمینه، نسوان و مخدرات، به کار میرفت که در دوره مشروطه کلمه «خانمها» جای آن را گرفت. (شیری، ۱۴۰۰ الف: ۱۳۱) مؤلف کتاب معایب الرجال که در دوره ناصری زندگی میکند همچنان اصطلاحات پیشین را برای معرفی زنان به کار میبرد. کلماتی مانند کمینه و صبیبه، نسوان، خواتین، در این کتاب نمونه‌ای از آنهاست:

«این کمینه صبیبه مرحوم محمد باقر خان...» (استرآبادی، ۱۳۷۱: ۴۷) «نصایح نسوان بعون الملک المنان، سلام من به خواتینهای آراسته...» (همان: ۴۹) «در منزل یکی از دوستان محفلی از نسوان گردآمده...» (همان: ۵۲)

این نوع اصطلاحات را در معرفی بزرگان نیز میتوان دید. القابی که برای شاهان یا وزرا ذکر میشود اغراق گونه و طولانی است. در معرفی مظفرالدین میرزا زمانی که ولیعهد است و قصیده‌ای برای او سروده شده چنین می‌آورد: «حضرت اقدس اشرف ارفع اسعد امجد والا مظفرالدین و الدین ولیعهد کیوان ارواحنا فداه» (همان: ۵۰) و همچنین این القاب برای ناصرالدین شاه: «در مدح اعلیحضرت قدر قدرت گردون بارگاه پادشاه جمجاه خسرو صاحبقران السلطان بن السلطان بن سلطان والخاقان بن خاقان بن خاقان السلطان ناصرالدین شاه قاجار خلد الله ملکه و دولته» (همان)

کلمات عربی

یکی از ویژگی‌های نثر این دوره عربی مآبی است (شیری، ۱۴۰۰: ۱۲۷) در این کتاب نیز کلمات عربی به فراوانی به کار رفته است که نشان دهنده نحوه صحبت کردن مردم این دوره است. این کلمات گاهی بصورت ترکیب و گاهی تنها به کار میرود:

«رسوم خانه داری برچیده و اوراق زندگی پیچیده یوم البلاد و عذاب العباد هویدا و دیده خواهد گردید.» (همان: ۶۴)

«القصه مادر که راضی بود به زحمت زیاد و مرارت بلا تعداد خالو را راضی و قاضی نمودیم به چهار صلوات نقد و چهار صد تومان نسیمه به شرط و عند القدرة و الاستطاعة عقد مواصلت بسته و نقد مفارقت گسسته همان شب زفاف اتفاق افتاد.» (همان: ۸۹)

«خصوصاً زنی که در خانه نشسته و در به روی خود بسته ممنوع از تمام مراودات و تحصیل محصنات و ادب و تربیت و معاشر و مباشر ناقصات و ناقصان مانند اطفال و صبیان و دختران و نسوان و گرفتار روزگار و صدمات و زحمات خانه داری و بچه گذاری و نگاهداری این همه امورات متواری» (همان: ۵۸-۵۷)

«مصنف بر خلاف اهل اروپ و وحشت خو و زشت جو و درشت گو تماماً در تحقر زنان میگوید» (همان: ۵۷) «صفات حمیده و رذیله از همه به همه قسم مشاهده میشود» (همان: ۶۴)

اصطلاحات فرانسوی

در دوره قاجار ایرانیان برای اولین بار با اصطلاحات زبانهای بیگانه فرانسوی، انگلیسی و روسی آشنا شدند و در مراودات خود آنها را به کار بردند. در نوشته‌ها نیز این اصطلاحات راه یافته است. (شیری، ۱۴۰۰: ۱۲۸) بسیاری از این اصطلاحات بدون این که معادل فارسی برای آنها باشد در نوشته‌های این دوره دیده میشود. (رک: کرمانی، ۲۰۰۰: ۴۰۵، آدمیت، ۱۳۵۷: ۲۱۹-۲۱۸) مؤلف کتاب به این نوع کلمات آشنایی داشته و سیویلیزه را در معنای تمدن به کار برده و در ادامه تعبیر طنز آمیزی هم از آن کرده است:

«عجیب تر این که این نادان خود را تربیت شده به اصطلاح مُنفرنگین و مُستفرنگین، سیویلیزه میدانند و خود را مقلد معلمین اروپ می‌انگارد معلوم شد که نیم ویلیزه هم نیست» (همان: ۵۷) البته غیر از این مورد اصطلاح دیگری از این نوع در این کتاب به کار نرفته است.

حذف فعل

در اغلب جملات این کتاب افعال حذف شده‌اند. گاهی با قرینه و گاه بیقرینه. گاه جملاتی طولانی با افعالی وصفی به هم متصل شده و در نهایت نیز فعلی کامل به کار نمی‌رود که نثر عامیانه را پدید می‌آورد و به زبان گفتار نزدیک میشود: «زنی که در خانه نشسته و در به روی خود بسته، ممنوع از تمام مراودات و تحصیل محاسنات و ادب و

تربیت و معاصر و مباشر ناقصات و ناقصان مانند اطفال و صبیان و دختران و نسوان و گرفتار روزگار و صدمات و زحمات خانه‌داری و بچه‌گذاری و نگاهداری این همه امورات متواری» (همان: ۵۸-۵۷).
 مهملائی چند بر هم بافته که هیچ یک را مأخذی نیافته با سلیقه کج طریقه لج پیشه گرفته نیش زبان به ریشه کندن نسوان دراز کرده...» (همان: ۵۴) «تمام نسوان مانند دسته گل دانسته، در برابر ایشان کمر خدمت برمیان بسته، کمال اتحاد و اتفاق بدون شایبه و خلاف و نفاق با بکدیگر دارند» (همان: ۵۷) «بلی این زن از برای مردی خوب است که امیرکبیر باشد یا خونخوار شریر، مردم آزار، نکته‌گیر و کار خانه‌ها همه مردانه و بیرون خانه» (همان: ۵۹).

لحن انتقادی

این کتاب در اعتراض به افکار و رفتار مردان است از این رو بیشتر متن لحن انتقادی دارد. برای این لحن غالباً از قیود و صفات و جملات پی در پی بدون فعل استفاده میکند: «از آن طرف زن بیچاره این نامرد در بی‌غیرتی فرد، از سر شب تا سحر، منتظر بر لب بام گرسنه بی‌شام، دیگ طعام سرد شده و بر همه حرام گشته که آقا رسد.» (همان: ۷۱)

در عبارات زیر لحن انتقادی به وسیله تاکید و کنایه عامیانه و حرف شرط بیان شده است: «در همچو زمانی و چنین اوانی که بر هر عاقل واضح است کتاب تأدیبات‌النسوان هم پیدا میشود قوز بالای قوز و درد بالای درد میگردد. با وجود این میگویند هزار زن به فدای یک مرد. اگر انصاف است بگویند اللهم اتمّ یوم الحرج و تجلی فی الفرج» (همان: ۶۰).

در این عبارات نیز با پرسش هنری و جمله امری به اعتراض علیه مردان پرداخته است: «حال از روی انصاف و مروت بنگرید بعد از آن که آقا با خدمه این قسم رفتار نماید آن خانم بیچاره دیگر چگونه میتواند با آن جماعت وحشی بیشعور ریاست و تحکم و خانه داری نماید» (همان: ۶۴)

لحن عامیانه

اصطلاحات عامه برای اولین بار در دوره قاجار در شعر و نثر راه یافته است که از نمونه‌های آن میتوان به این موارد اشاره نمود: الم سرات، قشقرق، قورت دادن، کوک بودن، سوت، قاطمه، پرت، چرت، لوله‌نگ، لفت و لیس، سلندر، چاروادار (خانلری، ۱۳۶۵: ج ۱: ۳۷۹) گرایش زنان به زبان گفتاری بیش از مردان است یعنی بیشتر تمایل دارند همانطور که حرف میزنند بنویسند (فتوحی، ۱۳۹۰: ۴۱۴).

لحن طنز آمیز مؤلف در مواردی هم با جملات عامیانه همراه میشود. در این جملات او با پرسش و پاسخ هنری چنین اعتراض میکند: «اما از روی انصاف در هیچ عهد و زمانی و در هیچ زمان و مکانی کسی به کسی مثلاً شده است بگوید «قربانت بگردم» او در جواب بگوید «زهر مار» تا مرد صد بار زخم زبان نزند و زن را ملجأ نکند زن یک مرتبه جواب زشت ندهد:

جواب هر جفنگی یک جفنگ است کلوخ انداز را پاداش سنگ است» (استرآبادی، ۱۳۷۱: ۵۷)

سبک زبانی کتاب یکدست نیست و ضمن این که گاهی ادبی و فاخر مینویسد و در موارد بسیاری جملات به لحن گفتاری نزدیک میشود بطوری که افعال به کلی حذف شده و فراموش میگردد: «اگر مرد از روز اول به همان وضع که در اول عروسی و زمان دامادی به طور مهربانی رفتار و کردار نمایند و گفتار و اطوارشان را تبدیل و تغییر ندهند به همان وتیره تربیت شده خوی خوش گرفته بوی ناخوش هرگز به مشامشان نرسیده زیرا که زن لابد و ناچار است از همه جهت اسیر دست مرد میباشد غیر از مرد خود کسی را نمیداند و نمیبیند و نمیشناسد» (همان):

۵۸) در واقع نثر وی تلفیقی از نثر فاخر دوره قاجاریه است که در منشآت این دوره میبینیم و نثری که در میان عوام رواج دارد و با زبان گفتاری تفاوتی ندارد.

مؤلف این کتاب خود زن است و به اصطلاحاتی که در میان زنان عوام رواج دارد آشناست: «آقای نامرد، بدتر از سگ زرد، وارد خانه و از همه بهانه مثل عوام است و چرا چس تو هاون نکوفتی، بیخ سبیلانم نروفتی» (همان: ۸۵) در مورد تعدد زوجات به دلیل ناراحتی زنان، مثللهایی ساخته شده است که مؤلف از آنها برای انتقادات خود استفاده میکند: «راست گفته‌اند که مرد دو زن رویش سیاه است تا چه رسد به مرد سه چهار زن که پشت و رو ندارد نه در دنیا نه در عقبی» (همان: ۸۵)

صبح بعد از آن که آفتاب پهن شده و نمازها به شیطان رهن گشته از خواب مرگ که فی‌الواقع این نوم‌اخوالموت است سر برمیدارد» (همان: ۷۱)

توصیف طنزآمیز

مؤلف در بخشی که معایب مردان را بیان میکند توصیفات جالبی دارد و اعمال خنده‌دار مردانی که به قمارخانه رفته یا شرابی خورده و مست شده را به تصویر میکشد. این توصیفات به واسطه کلمات تعجیبی و قیود و صفات انجام میشود. «آنها که توانائی دارند خود را به خانه میرسانند؛ اما به چه حالت بندها گسسته، سر و دست شکسته خونین و نالان، افتان و خیزان» (همان: ۷۱)

«در میزند خانم پای برهنه میدود در را باز میکند چه شوئی میبیند و چه سر و روئی چه دست و پائی و چه عربه و ادائی گاهی به این دیوار میخورد و می‌افتد و برمیخیزد، گاهی به آن دیوار میخورد و می‌افتد و برنمیخیزد. (همان: ۷۱) «خانم و خدمتکاران بینوایان آن طعام سرد شده و بر تمام حرام گشته تلختر از زغنبت و ترشتر از قره قروت میخورند و میخوابند.» (۷۱) «اریاب عمائم و خورندگان مظالم و پوشندگان لباس دراز و گوش ندهندگان به آواز ساز و صاحبان ریش دراز و پیران احوال پریش و بدخویان درویش» «عجیبتر این که این نادان خود را تربیت شده به اصطلاح مُنفرننگین و مُستفرننگین، سیویلیزه میدانند و خود را مقلد معلمین اروپا می‌انگارند، معلوم شد که نیم ویلیزه هم نیست» (همان: ۵۷)

این نوع توصیفات را در تصویرسازی مجالس قمار نیز میبینیم. بی‌بی طوری این صحنه‌ها را وصف میکند که مشخص است شاهد این رفتارها بوده است و از قماربازی اطلاع کامل دارد: «دسته‌ای سرگرم تون زدن، جمعی مشغول گنجفه بازی کردن به قسمی که تا بعد از زوال فرصت بول کردن و غذا خوردن نمیکنند. هرگاه از خانه یکیشان خبر بیاورند که پدرت به رحمت ایزدی پیوست گوید که در خانه امانتش بگذارد. اگر گویند که رئیس تو را خواسته میگوید بگویند بیمار و مردنی است...» (همان: ۷۲)

توصیفی دیگر را از مجلس چرس و بنگ و وافور چنین نقل میکند: «یاران مشغول اسباب دخان میگردند. به انواع و اقسام مختلفه خورند و کشند. به اصطلاح خودشان لول شوند. قلندران دلریشان قدح بنگ نوشان قلیان چرس و وافور کشان سرهاشان گرم گردیده و دیده هاشان بی‌شرم. خیالات باطله میکنند یکی به معراج قاب قوسین او ادنی میرود و دیگری خود را در بهشت برین با حوران قرین میبیند» (همان: ۷۵).

مطابقت صفت و موصوف

آوردن صفت‌های مونث برای موصوف عربی یا فارسی از خصوصیات پر بسامد دوره قاجار است و یکی از ویژگیهای غالب سبکی است.

«اگر باید تربیت بشوند همه باید بشوند تربیت هم موقوف به تمام قوانین تمدن و تدین ملتیه و دولتیّه شرعیه و عرفیه کشوریه و لشکریه میباشد.» (همان: ۶۴) از قرار جغرافیای تاریخی و سیاحتنامه‌های امم مختلفه تمام زندهای نجیب تربیت شده عالم به چندین علم در سر میز با مردان اجنبی مینشینند در وقت رقص دست مردان اجنبی را گرفته میرقصند» (همان: ۶۰)

سبک ادبی

از نظر ادبی این کتاب مشابه نوشته‌های دوره قاجار با همان آرایه‌های معروف است. انواع آرایه‌ها به ویژه آرایه‌های لفظی را میتوان در این کتاب دید. در این بخش به این ویژگی میپردازیم.

تشبیه

مؤلف در این عبارات خود را به بلبل تشبیه کرده و تشبیه مقید به کار برده است: «این کمینه در آن میانه بلبل بوستان و عندلیب هزارستان گردیده از هر حکایتی صحبتی و از هر روایتی نصیحتی مینمودم» (همان: ۵۲) تشبیه ناامیدی به شاخه و ناکامی به میوه: «از شاخ ناامیدی میوه ناکامی میچیدم» (همان: ۸۹) در اینجا برای توصیف وضعیت پس از ازدواج خود و گذر ایام خوشی و پدید آمدن سختیها، ذوق و شوق را به چراغ تشبیه کرده است. «چراغ شوق و ذوق خاموش بیرون آمدن عقرب و رطیلا هویدا زمان آستنی پدید و ایام زائیدن و نالیدن رسید.» (همان: ۸۹)

استعاره

استعاره کمتر در این متن به کار رفته است و استعاره تازه‌ای هم نیست. منظور از غدار مکار در این عبارت، روزگار است. «از آنجایی که تا انسان چیزی را عیان نبیند و تجربه ننماید سرد و گرم روزگار نچشد سستی و سختی از غدار مکار نکشد خردمند نگردد و پند نپذیرد» (همان: ۶۴).

تلمیح

تلمیح هم از آرایه‌های کم‌کاربرد است که در این کتاب به کار رفته است. در این سطور درباره عشاق سخن گفته و نام چند تن از عشاق تاریخی را آورده است: «حوا را با آدم و زلیخا را با یوسف همدم فرهاد را از فراق شیرین مجنون و خسرو را به شکر مفتون یوسف را معشوق زلیخا و مجنون را عاشق لیلی فرمود» (همان: ۶۶). در مورد مردانی که زنان را آزار میدهند به آیه «کالانعام بل هم اضل اشاره کرده است: «پس ببینید مردهای بیسواد عوام کالانعام چه کارها و چه بلاها به سر زنها می‌آورند» (همان: ۶۱).

ملّع

یکی از ویژگیهای نثر این دوره کاربرد جملات عربی است که بیشتر از آیات و احادیث نشأت گرفته و نشان از تسلط مؤلف بر قرآن و آشنایی با امور دینی است. در ابتدای کتاب همانند سایر کتابهای تعلیمی و عرفانی خداوند را تسبیح نموده و وصف کرده است و در این توصیفات از آیه قرآن نیز بهره برده است:

«منزه ذاتش از چند و چه و چون تعالی شأنه عما یقولون» (همان: ۶۶)

همچنین در هنگام توصیف وضعیت زنانی که دچار شوهران بد شده‌اند ضمن کاربرد تشبیه از آیه قرآن نیز برای نشان دادن عمق مشکل استفاده میکند: «شبی همچو روز قیامت دراز، بر آن زن بیچاره میگذرد. آن شب را در اصل: «خسر الدنيا والآخرة و هو خسران مبین» (استرآبادی، بی تا: ۸۵)

برای توصیف مکر مردان از آیه قرآن مثال آورده است: «این یک نکته از مکر مردان است و خداوند تبارک و تعالی در قرآن نیز از مکر مردان فرموده و آن کان مکرهم لتزول منه الجبال.» (همان: ۸۵)

سجع و موازنه

این آرایه‌ها مهمترین ویژگی کتاب معایب الرجال است. اغلب جملات کتاب با رعایت آهنگ جملات ساخته شده و کلمات در انتهای جمله با در میان جمله هم‌آوایی دارند. سجع متوازی معلوم و معدوم و مفقود، سجع مطرف تکالیف و تألیف و نفاق و اتفاق:

پس تکالیف غیرمعلوم و تألیف معدوم نفاق و شقاق موجود، الفت و اتفاق مفقود (همان: ۶۳)

سجع مطرف بنده و پرستنده، طلعت و محبت، لانه و کاشانه، سجع متوازی بوستان و دوستان، بلبلان و قمریان و قمریان، گل و مل، آرایش و آسایش: «کردگاری را بنده‌ایم پروردگاری را پرستنده که گل‌های خوش طلعت از گل آورد و مل‌های پر جوش محبت اندر دل. آن را آرایش بوستان و از این یک آسایش دوستان. بلبلان را کاشف اسرار و قمریان را قمریان بوستان و راغ جغد را ویرانه‌ای لانه و کبک را کوهسار کاشانه». (استرآبادی، ۵۲)

سجع مطرف پاک و لولاک: «پس از ستایش یزدان پاک درود بر مسند نشین اریکه لولاک» (استرآبادی، ۵۲) سجع متوازی دوستان و نسوان: «روزی در منزل یکی از دوستان محفلی از نسوان گرد آمده» (همان: ۵۲) سجع مطرف غیبت و شناعت: «به مقامی که دیگران را کار به غیبت کشیده و مرا زبان به منع و شناعت» (همان: ۵۲)

سجع مطرف داغدار و پر شرار، سجع متوازی غیبت و عیبت: «ای خواهر خبر از دل‌های داغدار و جگرهای پر شرار ما نداری که این صحبت را غیبت می‌شماری و این حکایت را عیبت می‌پنداری» (همان: ۵۲) سجع متوازی دردی و زردی: «یکی از همجنسان که دل پر دردی و رنگ روی زردی داشت» (همان: ۵۲) سجع متوازی جوییم و پوییم: اگر چه آنچه جوییم و پوییم همه از جهل و بر بندگان سهل (همان: ۷۱) سجع متوازی بنین و حنین، سجع مطرف آبی و زمانی: «صاحب بنات و بنین همه روزه گرفتار ناله و حنین آبی و زمانی فرصت به خود پیوستن نداشتیم» (همان: ۸۹)

سجع متوازی؛ دوید، رسید، درید، کشید: «خانم مضطربانه دوید. تا بر سر شوهر رسید جامه درید و فریاد کشید، اشک بارید.» (۶۲)

تضمین المزدوج

یکی از ویژگی‌های این کتاب نثر آهنگین است کاربرد جملات آهنگین همراه با اضافات پی در پی به دلیل وجود قیود و صفات به فراوانی در این کتاب به کار رفته به تتابع اضافات انجامیده است. در این عبارات کلماتی را می‌بینیم که اغلب در حرف آخر یا در وزن مشترکند که خود نوعی سجع پردازشی است: «به خصوص که دختران به حسب و نسب جنسیت به ایشان نداشته باشند با فرزندان ارباب سیف و قلم با فرزندان خاندان شرف و کرم با بنات کسبه و تجار محترم باشند که هیچ یک را سنخیت به ایشان نباشد مگر نه جنسیت و سنخیت در عالم اعظم شرط اختلاط و ازدواج است» (همان: ۵۵).

«به عرض خواهران دل بریان دیده گریان خواهد رسید» (همان: ۵۳). «از آن طرف زن بیچاره این نامرد در بی‌غیرتی فرد، از سر شب تا سحر منتظر...» (همان: ۷۱). «به جهت خوی بد آن ناسپاس خدانشناس» (همان: ۶۳) انواع لباسهای قیمتی ظریف و لطیف» (همان)

«همیشه در اندیشه بد باشد با قلب دغل و باطن پر مکر و حیل» (همان: ۶۷). عمر عزیز گرانمایه و ایام لذیذ بلند پایه را در صیف و شتا در حیف و فنا صرف کارهای زشت در میخانه و کنشت...» (همان: ۶۵). «به تدلیس و تلبیس ابلیس خبیث» (همان: ۶۶)

جناس

جناس نیز آرایه‌ای پرکاربرد در این زمان است که گاهی به همراه سجع است: «جناس اختلافی گل و مل، جناس حرکتی گل و گل: «کردگاری را بنده‌ایم پروردگاری را پرستنده که گل‌های خوش طلعت از گل آورد و مل‌های پر جوش محبت اندر دل» (استرآبادی، ۵۲)

جناس اختلاف موی و روی: «القصه، به جز موی و روی او در نظرم ظاهر و هویدا نبود» (همان: ۸۹). جناس اختلافی و حرکتی سستی و سختی: «سستی و سختی این غدار مکار نکشد» (همان: ۵۳).

جناس اختلافی کلک و فلک و نمک، قصه و غصه: «داستانی تازه بشنو از کلک‌های فلک. قصه پر غصه بسیار تلخ بی‌نمک» (همان: ۵۳)

جناس اختلافی یار، مار، تار: یار عزیزم مار شد و خانه‌ام چون غار و روزگرم چون شب تار» (همان: ۵۳)

جناس اختلافی دلالت و ضلالت: «دلالت می‌کردم که این کار ضلالت است» (همان: ۵۳)

جناس اختلافی کافی و شافی: «هر یک را جواب کافی و شافی داده...» (همان: ۵۵)

واج آرایی

این آرایه نیز با این که چندان بسامد ندارد آگاهانه به کار رفته است و انتخاب کلماتی که کنار هم آمده در ایجاد آهنگ موثر است:

واج آرایی چ: منزله ذاتش از چند و چه و چون (همان: ۶۶)

واج آرایی س: «باری ما هر دو به هم پیوستیم و رشته مؤاخات دیگران گسستیم.» (همان: ۸۹)

واج آرایی ک: «خانم با خدمتکاران کمک کنان کم کم او را کشان کشان تا به جامه خوابش می‌برند» (همان: ۷۱).

تضمین

وی در اثناء سخن نمونه‌هایی از سخنان بزرگان ادب فارسی را به مقتضای سخن بازگو میکند که نشان از کمال ادب و سواد او دارد. در اغلب موارد مشخص نکرده این ابیات یا جملات از کجاست؛ اما معروفیت این سخنان آشکار است بطوریکه غالباً از نظامی، سعدی، مولوی مثال دارد و یا حکایاتی از کتب تعلیمی نقل میکند:

در این جا بیتی از مخزن الاسرار نظامی آورده است: «کردگاری را بنده‌ایم پروردگاری را پرستنده

زیر نشین علمت کائنات ما به تو قائم چو تو قائم به ذات» (استرآبادی، ۵۲، نظامی، ۱۳۸۶: ۶)

و همچنین این بیت: احمد مرسل که جهان خاک اوست هر دو جهان بسته فتراک اوست (همان: ۶۶، نظامی،

۱۳۸۶: ۱۴)

حدیثی از پیامبر: «گفتم پیغمبر فرموده الغیبه اشد من الزنا» (همان: ۵۲)

ابیاتی از مثنوی مولوی: این کمینه چون بی تجربه و ساده بودم اقدام به بعضی امور استعلا نمینمودم باری:

شرح این هجران و این خون جگر این زمان بگذار تا وقتی دگر (همان: ۵۳، مولوی، ۱۳۷۳: ۸)

«یکی در فکر فلاح و زراعت، خیال باطل و وهم عاطل را ظاهر و هویدا پندارند. مشاهده و عیانش نام نهند. شعر:

از خیالی صلحشان و جنگشان وز خیالی فخرشان و ننگشان (همان: ۷۵، مولوی، ۱۳۷۳: ۵)

تضاد

ایجاد تضاد هم از آرایه‌های کم بسامد ولی آگاهانه است. در این عبارات کمترین و برترین، فروترین و بالاترین با هم تضاد دارند:

«خالقی را ذاکریم که کمترین عطایش برترین ثنای اهل زمین است و رازقی را شاکریم که فروترین عنایتش بالاترین دعای اهل امکان» (همان: ۶۶)

در این عبارت نیز با ایجاد سجع میان صادق و کاذب، تضاد ایجاد کرده است. همچنین میان منافق و مومن: «تا طلعه صبح صادق بر آن قوم کاذب گشت نزدیک به سر زدن آفتاب آن منافق مومن نما باز فریاد میکند...» (همان: ۷۳)

سبک فکری

مؤلف کتاب شخصیتی سنتی دارد و با این که از سایر زنان خود جلوتر است، از پیله سنت به در نیامده از این رو در این کتاب غیر از مطالبی که در دفاع از زنان آورده به بسیاری مسایل دیگر که از عقاید دوران او نشأت گرفته اشاره کرده است که عقیده خود او نیز هست.

مباحث مذهبی

حکومت قاجار ساختار مذهبی دارد و شاهان قاجاری افرادی معتقد و سنتی هستند. آنها با به کار گرفتن بسیاری از خدام مذاهب در دستگاه حکومت خود با اندک مشروعیت اعتقادی قدرت و حکومت را حفظ کردند و در عین حال افرادی خرافی و معتقد به قضا و قدر و باروهای سنتی بودند (فصیحی، منصوری، ۱۳۹۴: ۱۱۷). با این وصف در این دوره باورهای سنتی و خرافی نیز با مذهب آمیخته بود و مردم نیز به ظواهر مذهب که آموزش قرآن و سنت و اعمال واجب اهتمام داشتند. مؤلف نیز همانند اغلب مردم این دوره، شخصیتی مذهبی دارد و مشخص است که اهل قرآن و حدیث و خواندن کتب مذهبی بوده و به حقوق زنان و مردان و آئین همسراری نیز واقف بوده است. او در آغاز کتاب پس از حمد و ثنای خداوند به این موضوع میپردازد که مرد خوب باید چه ویژگیهایی داشته باشد و در این مورد به آیین اسلام اشاره میکند: «اما مرد باید در هر زمان و هر نفس عمر عزیز گرانمایه و زمان لذیذ بلند پایه خود را به بطالت و غفلت صرف ننماید. آئین و شریعت سیدالمرسلین را از دست ندهد. در طاعت و عبادت حق سبحانه و تعالی خاضع و خاشع باشد، و در همه احوال راضی به رضا و قضای او گردد. به تدلیس و تلبیس ابلیس خبیث در چاه ضلالت نیفتد و ماده جهالت از خود بتدریج ببرد و کم کند مرتکب ملامه و مناهی و معاصی نشود. شهوت را مرده و دل را زنده دارد. از برای خلق زحمت کشد تا مردم از او در راحت باشند» (همان: ۶۶). از نظر فکری و محتوایی نوشته‌های این مؤلف متنوع است. اصل گفتار وی پاسخ گویی به اراجیف کتاب تأدیبالنسون است که خود منجر به بیان مطالبی در حقوق زنان و بیان عیوب مردان است.

احقاق حق زنان

رواج تفکر انتقادی در این دوره تقریباً پیش از زمان مظفردالدین شاه و در اواسط عصر ناصری به نوشته‌ها راه یافت و در دوره مظفیری انتقادهای آشکارتر و کوبنده‌تر شد (جهانگرد، ۱۳۹۰: ۶۴). مؤلف کتاب که خود زنی رنج دیده و خیانت دیده است در برابر خواسته‌های نامعقول مردانه که به شکل عرف و سنت به زنان تحمیل میشود می‌ایستد و از آیات و احادیث که تفسیری مرد مدارانه و یکسونگر ارائه شده بود باز تعریفی زن گرایانه ارائه میدهد (بهر، ۱۳۷۷: ۵۵). مهمترین محتوای کتاب همین مسایل زنانه و دفاعیات است. وی برخلاف اعتقادات زمانه خود که اصل در زناشویی بر سازش است، طلاق را در مواردی که مرد اهلیت ندارد مجاز میداند و توصیه میکند: «اگر بدین صفات متصف نشد البته هر چه زودتر بهتر در خلاصی خود سعی نمایی که هر چه زود خلاص شوی دیر است. تا جوانی و پیر نشده‌ای گرفتار بنات و بنین نگشته خود را مستخلص نما» (همان: ۴۹).

مؤلف ضمن اقرار به برتری مردان با توجه به آیه قرآن، زنانی را که از برخی مردان برتر بوده‌اند نام میبرد و میگوید این امر قطعی نیست و هر مردی دارای برتری و فضل نیست: «هرچند مرتبه مردان به مقتضای ادله و برهان و آیات قرآن از زنان برتری و بالاتری دارند قال الله تبارک و تعالی الرجال قوامون علی النساء الی آخر آیه. ولی نه هر مردی از هر زنی فزونتر است و نه هر زنی از هر مردی فروتر. مریم و زهرا و آسیه و خدیجه کبری از زنانند. فرعون هاملان و شمر و سنان از مردان بیت:

نه هر که طرف کله کج نهاد و تند نشست کلاه داری و آیین سروری داند» (همان: ۵۴)

در دوره قاجار زنان کنش تند و انقلابی ندارند و نوشته‌ها نشان میدهد که آنها میخواستند با حفظ سنتها، اصلاحات گام به گام در روابط خانوادگی را در پیش بگیرند (نوابی، ۱۵۸) اما موضوع انتقادی زنان نسبت به مرد سالاری و محدودیتهای زنان در این دوره به ویژه دوره مشروطه نمود دارد. انتقادهای در قالب روزنامه نگری دوره مشروطه فراوان میبینیم. چنانکه مطلبی در روزنامه حبل المتین در اعتراض به ممانعت از تحصیل زنان به قلم «طایره تهرانی»^۱ درج شده است که سوال میکند در کجای کلام الله چنین مطلبی درج شده است که زنان نباید علم بیاموزند (ر.ک: حبل المتین، ۱۸ رجب ۱۳۲۵: ۸-نقل از مظهري آزاد و همکاران، ۱۳۹۹: ۴۲) مؤلف این کتاب نیز چنین ویژگی دارد و سنتها را نقض نمیکند او در مورد چند همسری نیز مطالبی نوشته است که با توجه به فضای مردسالاری نمیتواند مخالفت خود را اعلام کند اما عدالت را شرط این کار میداند و میگوید: «همه گفتگوها برای عدالت است. چنانچه خداوند عالم در قرآن میفرماید برای زن بردن مردها که چهار عقدی ببرند اما به شرط عدالت. اگر نتوانید عدالت کرد پس یکی بهتر است. در این زمان مردی که عدالت کند اکسیر اعظم است. اگر بعضی مردان بخواهند عدالت کنند مثل صاحب گوی مهره عدالت میکنند و آن مکر است» (همان: ۸۴) در مورد مهره پیشتر حکایتی بیان کرده است که مردی دو زنه برای هر دو مهره آبی میخرد بدون این که دیگری باخبر باشد و همیشه میگوید دلم پیش کسی است که مهره آبی دارد» (همان)

بیان معایب مردان

مؤلف در بیان معایب مردان، جدا از آنچه در بخش اول کتاب در پاسخگویی به مؤلف تأدیب‌النسوان آورده در بخش دوم هم به چهار مورد پرداخته است: شرابخواری، قماربازی، چرس و بنگ و تریاک، الواطی و اوباشی. هر یک از این معایب را با تفصیل فراوان و همراه با حکایات و طنزها بیان کرده است.

هنگامی که درباره بنگ و چرس سخن میگوید حکایتی از لقمان نقل نموده که به پسرش وصیت کرده است که به یاران ناهل توجه نکند و فریب نخورد «که مصاحبت ایشان از مار گزنده تر است چنانکه گفته‌اند؛ مثنوی ای برادر می‌گریز از یار بد یار بد بدتر بود از مار بد (همان: ۷۶)

این حکایت طولانی است و بی بی از زبان خود آن را بیان نموده است. حکایتی دیگر در مورد چرس نقل نموده است که شخصی از عطاری چرس خریده و بعد از آن در حمام نوره کشیده و لخت بیرون آمده و به عطار اعتراض نموده که چرس تو قلابی است! عطار همین کار او را دلیل بر موثر بودن چرس عنوان میکند: «ایها الناس ببینید چرس من کیف دارد یا ندارد» (همان: ۷۹)

مرد سالاری

مؤلف با اینکه زنی رنج کشیده است و از احوال مردان نیز خبر دارد به حکم زمانه برتری مردان را پذیرفته و به آن

^۱ شاعر و نویسنده ایرانی و از پیشگامان آزادی زنان

اعتراف میکند.

هر چند مرتبه مردان به مقتضای ادله و برهان و آیات قرآن از زنان برتری و بالاتری دارند قال اله تبارک و تعالی «الرجال قوامون علی النساء»الی آخر آیه. ولی نه هر مردی داز زنی فزونتر و هر زنی از هر مردی فروتر»(همان: ۵۴).

اهمیت پادشاه

مؤلف در اثنای سخن مطالب پراکنده‌ای هم بیان میکند که در ظاهر ارتباطی با موضوع کتاب ندارد ولی وی به نحوی پیوند ایجاد میکند. هنگامی که درباره رفتار نیک با زنان سخن میگوید به آیه «وعاشرون بالمعروف» و رفتار پیامبر با زنان اشاره کرده سپس میگوید پادشاه زمان نیز فرموده پیامبر را عمل میکند و مردم نیز باید ناگزیر از تمکین شاه باشند. در این هنگام اعتقادات ایرانیان را درباره اهمیت پادشاه و لزوم اطاعت از او را تأکید مینماید «پس لابد و ناچار به حکم اضطرار باید اعمال و افعال سلاطین را تمکین نموده پیروی ایشان نمائید تا روز به روز ترقی کنند و کم کم خرد را به آن آستان ملک پاسبان رسانند»(همان: ۸۷).

نتیجه گیری

در این تحقیق به بیان سبک کتاب معایب الرجال پرداخته شد. این کتاب که در دوره قاجار به همت بی بی خانم استرآبادی نوشته شده دارای ویژگیهای زبانی این دوره است که خود متأثر از دوره‌های پیشین است. مؤلف کتاب با سواد بوده و کتب ادبی معروف را خوانده است از این رو از متون نظم و نثر مثالهای فراوانی می‌آورد و حکایاتی به مقتضای سخن نقل میکند. زبان کتاب ساده و گاهی عامیانه است و لحنهای گفتاری و ادبی را در کنار هم دارد و مایه‌هایی از طنز نیز در آن دیده میشود که به دلیل لحن انتقادی آن است که با زبان زنانه آمیخته است. از نظر ادبی آرایه‌های لفظی و معنوی در آن استفاده شده و بیش از همه به سجع توجه نشان داده است. ویژگی مهم ادبی این متن، تلفیق نثر فاخر و نثر عامیانه است که از سویی متأثر از نثر دوره قاجار است و از سویی از زبان عوام و اصطلاحات زنانه تاثیر گرفته است. از نظر فکری مهمترین ویژگی محتوایی آن دفاع از حقوق زنان و مسایل فمینیستی است و در کنار آن به مباحث مذهبی و مرد سالاری و معایب مردان و اخلاقیات نیز پرداخته است. ویژگی مهم این کتاب در هم ریختن ساختارهای فکری مرد سالارانه است که از دیرباز رواج داشته و در دوره قاجار همچنان مطرح بوده است اما این بانو ضمن اعتراف به پذیرش قوانین برتری مردان، استثنائاتی را قائل شده و بر خلاف باورهای جامعه، هر مردی را برتر از زن ندانسته و اطاعت از شوهری را واجب نمیداند.

مشارکت نویسندگان

این مقاله حاصل پژوهش و مشارکت آقای مجیب الرحمان دهانی و منصور نیک پناه میباشد.

تشکر و قدرانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی دانشگاه سراوان و سیستان و بلوچستان که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری داده‌اند اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی می‌نمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیت‌های پژوهشی تمامی نویسندگان است و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان میان پژوهش به عهده نویسنده مسئول است و ایشان کلیه موارد ذکر شده را بر عهده می‌گیرند.

REFERENCES

- Adimit, Fereydoun (1978) Thoughts of Mirza Agha Khan Kermani, Ch2, Tehran: Payam.
- Azad Mazhari, Motahera, Shaygan, Maryam, Hojjat, Mohammad (2019) Prose stylistics of women in the Qajar and constitutional periods. Specialized monthly magazine of poetry and prose stylistics (Bahar Adeb), year 13, issue 12, consecutive 58, pp. 27-46.
- Bahar, Mehrdad. (1983) Research in Iranian mythology, Tehran: Tos.
- Behfar, Mehr (1998) Men's Disadvantages, the first treatise in defense of women, Women's Rights, Volume 3, pp. 56-52.
- ettehadiye, Mansoureh (2008) Women who wore hoods under the mask, Tehran: Tarikh Iran.
- Estrabadi, Bibi Khanum (1992) The disadvantages of men, in response to Tadib al-Nasvan, Tehran: the attitude and writing of women.
- Farahani's ghaem magham (2001) Monashat compiled by Prince Motamed al-Dawlah Haj Farhad Mirza, Tehran: Islamia bookstore.
- Fasihi, Simin, Mansouri, Maryam (2014) "Analysis of the religious situation of Iran in the Nasrid era" Kharazmi Chronicle, third year, pp. 115-129.
- Fotuhi, Mahmoud (2012) Stylistics, theories, approaches and methods, Tehran: Sokhn.
- Green, Kate (2014) Textbook of Theory and Literary Criticism, translated by Hossein Paydar, Tehran: Rozgar.
- Jahangard, Frank (2012) Critical approach, basis of metamorphosis of literary prose types in the Qajar era, Pej Vahesh Literary Review, Year 4, No. 15, pp. 61-86.
- Karachi, Roohnadib (2011) Who is the main author of Tadib al-Naswan?, History of Literature, Vol. 3, 65 pp. 207-199
- Kermani, Alawieh (2007) Hajj travel book and tributes of Alawieh Khanum Kermani, Ashih Rasool Jafarian, Qom: Historian.
- Kermani, Mirza Agha Khan (2000) Three Letters, edited and edited by Bahram Chubineh, Essen, Germany: Nima.
- Khanleri, Parviz (1986), History of Persian Language, Tehran: New Publication.
16. Mazhari Azad, Motahera, Shaygan, Maryam, Hojjat, Mohammad (2019) Prose Stylistics of Women in the Qajar and Constitutional Periods, Specialized

- Monthly of Poetry and Prose Stylistics (Bahar Adab), Year 13, No. 12, Serial 58, pp. 46-27.
- Molavi, Jalaluddin Mohammad (1994) Mathnavi Molavi, Tashabh Nabkelson, Tehran:
- Nizami, (2007) Makhzon al-Asrar, edited by Ali Mostafavi, Tehran: electronic version.
- Shail, Mary (1989) Memoirs of Lady Shail, translated by Hossein Abu Tarabian, Tehran: New.
- Shamisa, Siros. (2005) Generalities of stylistics, Ch2, Tehran: Ferdous.
- Shiri, Kahraman (2021a) Linguistic and literary characteristics of analytical prose in the Egyptian and constitutional era, fifth year, vol. 12 pp. 1121-165.
- Shiri, Kahraman (2021 b) Moderate prose in the first half of the Qajar period, researches of literary criticism and stylistics, year 12, vol. 2, consecutively 44 pp. 11-46.
- Tabrizi, Yaqoub Mirza (2010) Hajj Mansour travelogue, by Rasul Jafarian, Tehran: Alam
- Tawana, Murad Ali (2010) Women in the Contemporary History of Iran, Tehran: Zeitun Leaf.

فهرست منابع فارسی

- آدمیت، فریدون (۱۳۵۷) اندیشه‌های میرزا آقاخان کرمانی، چ ۲، تهران: پیام.
- اتحادیه، منصوره (۱۳۸۸) زنانی که زیر مقنعه کلاهداری نمودند، تهران: تاریخ ایران.
- استرآبادی، بی بی خانم (۱۳۷۱) معایب الرجال، در پاسخ به تأدیبات النسوان، تهران: نگارش و نگارش زن.
- بهار، مهرداد. (۱۳۶۲) پژوهشی در اساطیر ایران، تهران: توس.
- بهفر، مهر (۱۳۷۷) معایب الرجال، نخستین رساله در دفاع از زنان، حقوق زنان، ش ۳، صص ۵۶-۵۲.
- تبریزی، یعقوب میرزا (۱۳۸۸) سفرنامه حج منصور، به کوشش رسول جعفریان، تهران: علم.
- توانا، مرادعلی (۱۳۸۰) زن در تاریخ معاصر ایران، تهران: برگ زیتون.
- جهانگرد، فرانک (۱۳۹۰) رویکرد انتقادی، مبنای دگرذیسی انواع نثر ادبی در عصر قاجار، پژوهش نقد ادبی، سال ۴ ش ۱۵ صص ۸۶-۶۱.
- خانلری، پرویز (۱۳۶۵) تاریخ زبان فارسی، تهران: نشر نو.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۸۴) کلیات سبک شناسی، چ ۲، تهران: فردوس.
- شیری، قهرمان (۱۴۰۰ الف) خصوصیات زبانی و ادبی نثر تحلیلی در عصر ناصری و مشروطه، سال پنجم، ش ۱۲ صص ۱۶۵-۱۱۲۱.
- (۱۴۰۰ ب) نثر اعتدالی در نیمه اول دوره قاجاریه، پژوهشهای نقد ادبی و سبک شناسی، سال دوازدهم، ش ۲، پی در پی ۴۴ صص ۴۶-۱۱.
- شیل، مری (۱۳۶۸) خاطرات لیدی شیل، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران: نو.
- فتوحی، محمود (۱۳۹۰) سبک شناسی، نظریه ها، رویکردها و روشها، تهران: سخن.

- قائم مقام فراهانی (بی‌تا) منشآت، گردآوری شاهزاده معتمد الدوله حاج فرهاد میرزا، تهران: کتابفروشی اسلامیة. فسیحی، سیمین، منصور، مریم (۱۳۹۴) «واکاوی اوضاع مذهبی ایران در عصر ناصری» تاریخ‌نامه خوارزمی، سال سوم، صص ۱۲۹-۱۱۵.
- قاضی مرادی، بهناز (۱۳۹۷) «بازخوانی انتقادی مفهوم جنسیت و مرزهای تن در کتاب تأدیبالنسون» پژوهش‌نامه زنان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ویژه‌نامه زبان و ادبیات فارسی، سال ۹، ش ۴، صص ۶۲-۴۹.
- کراچی، روح انگیز (۱۳۹۰) نویسنده اصلی تأدیبالنسون کیست؟ تاریخ ادبیات ش ۳ پیاپی ۶۵ صص ۲۰۷-۱۹۹. کرمانی، علویه (۱۳۸۶) سفرنامه حج و عتبات علویه خانم کرمانی، اصحیح رسول جعفریان، قم: مورخ. کرمانی، میرزا آقاخان (۲۰۰۰) سه مکتوب، به کوشش و ویرایش بهرام چوبینه، اسن آلمان: نیما. گرین، کیت (۱۳۸۳) درسنامه نظریه و نقد ادبی، ترجمه حسین پایدار، تهران: روزگار. مظهری آزاد، مطهره، شایگان، مریم، حجت، محمد (۱۳۹۹) سبک‌شناسی نثر زنان در دوره قاجار و مشروطه، ماهنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر (بهار ادب)، سال ۱۳، ش ۱۲، پیاپی ۵۸، صص ۴۶-۲۷. مولوی، جلال‌الدین محمد (۱۳۷۳) مثنوی مولوی، تصحیح نیکلسون، تهران: نظامی، (۱۳۸۶) مخزن الاسرار، تدوین علی مصطفوی، تهران: نسخه الکترونیکی.

معرفی نویسندگان

مجیب‌الرحمن دهانی: دانش‌آموخته گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

(Email: dehanimojib72@gmail.com)

(ORCID: [0009-0009-9914-527x](https://orcid.org/0009-0009-9914-527x))

منصور نیک‌پناه: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه سراوان، سراوان، ایران.

(Email: m.nikpanah@saravan.ac.ir (نویسنده مسئول))

(ORCID: [0000-0000-3311-3856](https://orcid.org/0000-0000-3311-3856))

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the authors

Mojib-Alrahman Dehani: Graduated from the Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Sistan and Baluchistan, Zahedan, Iran.

(Email: dehanimojib72@gmail.com)

(ORCID: [0009-0009-9914-527x](https://orcid.org/0009-0009-9914-527x))

Mansour Nikpanah: Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, University of Saravan, Saravan, Iran.

(Email: m.nikpanah@saravan.ac.ir: Responsible author)

(ORCID: [0000-0000-3311-3856](https://orcid.org/0000-0000-3311-3856))